



اردوان امیراصلانی

درحالی‌که جنگ در اوکراین و انزوای بین‌المللی روسیه موازنه‌های ژئوپلیتیک و همچنین پیمان‌های اقتصادی را بر هم زده است، ایران با پتانسیل انرژی بالا می‌تواند نقش یک شریک تجاری ضروری برای بازارهای اروپا را داشته باشد. ایران دارای دومین ذخایر بزرگ گاز جهان است و قادر است صادرات نفت خود را پس از رهایی از تحریم‌های آمریکا به ۲٫۵ میلیون بشکه در روز افزایش داده و جایگزین روسیه در زمینه تأمین انرژی برای غرب شود. با این حال، تحلیلگران بیم دارند که این فرصت عالی برای خروج از حاشیه‌های سیاسی و اقتصادی که ایران برای چهار دهه درگیر آن است، تبدیل به فرصت اِزدست‌رفته دیگری شود. این سناریو اغلب در گذشته خود را نشان داده و هر بار ایران از فرصت توسعه محروم شده است. به دلیل موضع غرب‌ستیز ایران و تمایل غرب به تغییر رژیم، ایران از بسیاری از مبادلات تجاری و پروژه‌های حمل‌ونقل که اتصال «خاورمیانه بزرگ» به بازارهای اروپایی را ممکن می‌کند، کنار گذاشته شده است.با تکرار تاریخ، ایران و اروپا با وضعیتی مشابه با وضعیت روسیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ مواجه شده‌اند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بسیاری از پروژه‌های انرژی که جمهوری‌های شوروی سابق را بدون وابستگی به مسکو به اروپا پیوند می‌داد، مورد توجه

چرا اصولگرایان بر حذف بدنه باقی مانده از دولت قبل تأکید دارند؟

سهم خواهی یا پاک‌سازی؟!

شرق: حذف بدنه به‌جای‌مانده از دولت‌های قبلی و جایگزینی با نیروهای اصولگرا مدت‌هاست به طرق مختلف مطرح شده است. تلاشی که از سوی منتقدین دولت به پاک‌سازی و تسویه‌حساب سیاسی تعبیر شده و از سوی برخی از کارشناسان رنگ و بوی سهم‌خواهی از دولت داشته تا با حذف نیروهای فعلی نیروهای بی‌کار اما خودی به پست و مقامی برسند. بدینی به بدنه اجرائی کشور که از دولت‌های قبل به دولت جدید به ارث رسیده به مرحله **توهم‌زایی** رسیده است. **دشمن‌پنداری** **مدبران میانی** و **کارکنان دولتی** فقط به دلیل ارائه خدمت در دولت‌های قبل برای توجیه ناکارآمدی دولت فعلی شاید دستاویزی دم‌دستی باشد، اما باورپذیر نیست.

با روی‌کارآمدن دولت اصولگرای سیزدهم، شاهد یکدست‌شدن قدرت در تمامی ارکان حاکمیت هستیم و همین امر، یافتن مقصر برای مشکلات عدیده اقتصادی را سخت کرده است تا جایی که زرمزه حذف و پاک‌سازی سیستم اداری و اجرائی کشور از نیروهای شغال از دوران روحانی بارها شنیده شده است. اتهام این افراد هم نفوذی، خرابکار و گره‌افکنی در مسیر اداره کشور است.

فارغ از اینکه مستندات این ادعاها چیست نکته مهم آنجاست که در سیستم اداری و استخدامی کشور اگر فردی امروز در جایگاه مدیر یا تصمیم‌سازی قرار گرفته مطمئناً بیش از ۱۴ یا ۱۵ سال سابقه اشتغال و استخدام دارد که خود از دولت‌های قبلی به دولت روحانی به ارث رسیده بوده و جابه‌جایی در بدنه دولت‌ها شاید در حد مدیران عالی رخ داده باشد اما در رابطه با بدنه توان، فرصت و نیروهایی با این گستردگی برای جابه‌جایی وجود نداشته‌اند که امروز اصولگرایان به فکر پاک‌سازی دولت از هر غیراصولگرای مورد اعتماد خود باشند. دیروز حمیدرضا ترقی فعال سیاسی اصولگرا گفت: «هنوز بدنه دولت در اختیار نیروهای انقلابی نیست و به خاطر همین برخی نارضایتی‌ها وجود دارد». او با بیان اینکه «اصولگرایان در سال جاری باید با وحدت و انسجام بیشتر به دولت کمک کنند تا دولت بتواند وعده‌های خود را عملی کند» بر جذب نیروهای اصولگرا در دولت تأکید کرد. او افزود: «تعامل با دولت مستلزم این است که دولت هم به نیروهای انقلابی بها بدهد و استفاده بیشتری از آنها داشته باشد». این سخنان نه‌تنها تازگی ندارد بلکه حتی وزیر کابینه و نمایندگان تندرو مجلس هم هرازگاهی یِر موضع حذف و جایگزینی بدنه دولت تأکید کرده‌اند تا شاید این‌گونه عدم تحقق شعارهای دولت سیزدهم توجیه شود. حسین شریعتمداری که همان ابتدا از عدم پاک‌سازی در دولت مورد حمایت خود انتقاد کرد و در کیهان نوشت: «در حالی که بیش از سه ماه از شروع به کار دولت انقلابی و مردمی جناب رئیسی می‌گذرد، کار بررسی صلاحیت برخی از مدیرانی که در دولت قبل به بدنه قوهٔ اجرائیه تزریق (بخوانید: تحمیل) شده‌اند و از شایستگی

قرار گرفتند. ایران، به عنوان همسایه قدرتمند کشورهای تازه استقلال‌یافته و موقعیت خاص در آسیای مرکزی می‌توانست موقعیت خود را به عنوان مرکز مسیرهای جدید انرژی تثبیت کند. در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۲، کی‌یف و تهران یک توافق‌نامه تجاری چهارساله برای صادرات سالانه چهار میلیون تن نفت و سه میلیارد مترمکعب گاز در ازای تسلیحات امضا کردند. این توافق که از آن به عنوان «معامله قرن» یاد می‌شد، نه‌تنها مانع تسلط مسکو بر اوکراین می‌شد، بلکه به ایران اجازه دسترسی به بازار اروپا را نیز می‌داد. قرارداد سه‌جانبه دیگری نیز برای ایجاد سه خط لوله جهت صادرات گاز طبیعی از ایران به اوکراین از طریق جمهوری آذربایجان و یک بندر گرجستانی در دریای سیاه با جمهوری آذربایجان امضا شد. این معامله تجاری و مسیر انتقال انرژی، ایران را به قطب انرژی جهانی تبدیل می‌کرد اما به دلیل سیاست‌های آمریکا در قبال ایران عملی نشد. بن‌بست امروز در مذاکرات هسته‌ای همان بن‌بست ۳۰ سال پیش است. واشگنت بازگشت ایران به عنوان یک شریک اقتصادی بین‌المللی را به سیاست‌های خارجی توسعه‌طلبانه در خاورمیانه مشروط می‌کند. اتحادیه اروپا که همیشه به مواضع آمریکا وفادار است، ایران را در پروژه‌های مسیرهای تجاری به سمت دریای خزر و آسیای مرکزی یا در قفقاز

ایران با پتانسیل انرژی بالا می‌تواند نقش یک شریک تجاری ضروری را برای بازارهای اروپا داشته باشد

ایران، شایسته خروج از حاشیه اقتصادی

مانند پروژه TRACECA (کریدور حمل‌ونقل اروپا- قفقاز- آسیا) کنار گذاشته است. در سال ۲۰۱۵، گزارش کمیسیون اروپا درمورد پتانسیل همکاری‌های منطقه‌ای در دریای سیاه، با وجود منابع انرژی ایران و ظرفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای اجرای چنین پروژه‌ای، حتی اشاره‌ای به ایران نکرد. عدم تمایل به مشارکت ایران در سیاست‌های اقتصادی فرامنطقه‌ای از یک سو و تحریم‌های دائمی آمریکا از سوی دیگر ایران را با وجود ذخایر عظیم انرژی و موقعیت جغرافیایی که می‌توانست مانند پلی میان اروپا و آسیا باشد، به حاشیه رانده است. با این حال، ایران باید جایگاه شایسته خود را به عنوان یک شریک اقتصادی در میان کشورهای جهان بازیابد. در این راستا، تنظیم مجدد موازنه‌های سیاسی باید هر دو طرف را قادر کند تا ۴۰ سال عدم درک متقابل و مهم‌تر از همه رکود اقتصادی را مورد ارزیابی قرار دهند. طبیعتاً ایران پس از رانده‌شدن از سوی غرب، استراتژی خود را برای یافتن شرکای اقتصادی دیگر در آسیا تغییر داد تا به کمک آنان بتواند به عنوان تأمین‌کننده و حامل انرژی پیرامون دریای خزر با هدف دستیابی به بازار اروپا به قطب انرژی تبدیل شود. برای این منظور، جمهوری اسلامی می‌داند که پیش‌نیاز تقویت روابط دوجانبه با کشورهای همسایه از جمله جمهوری

جنگ قدرت در بین اصولگرایان شکل گرفته است



هدایت آقای

فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده پیشین مجلس

تلاش اصولگرایان برای انداختن مسئولیت و مشکلات فعلی به گردن دولت قبلی و مدیران باقی‌مانده از دولت روحانی در بدنه دولت رئیسی، نشان‌دهنده این است که سوراخ دعا را کم کرده‌اند.

دولت سیزدهم در فضایی روی کار آمد که توقعات مردم را بالا برد و کسانی که به آنها رأی دادند شیفته وعده‌هایی شدند که آقای رئیسی و حامیان‌ش داده بودند. آنها این دولت را مستقر کردند و حالا که باید پاسخ‌گوی افکار عمومی باشند، به جای پاسخ‌گویی، به بهانه‌های گوناگون از بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. البته یک رویه که در میان اصولگرایان از قبل هم وجود داشته، این است که وقتی دولت منتسب به آنها نمی‌تواند به وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند، یا از دستورات مجموعه سرپیچی می‌کند، مثل اواخر دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی انگ اشرافی‌گری به آن می‌چسباند. در این دولت هم البته تهدیدهایی کرده‌اند که ممکن است نظرشان در حمایت از رئیسی عوض شود و حمایت‌شان را پس بگیرند؛ اما به دلیل اینکه این فرار را زود هنگام است و نمی‌توانند خطشان را از دولت عوض کنند، سعی دارند مسئله و مشکلات را به گردن دولت قبلی بیندازند.

در حالی که دولت قبلی خوب یا بد تمام شد و حالا دولت اختیارات کافی دارد و می‌تواند مشکلات را حل کند. حتی به فرض اینکه از مدیران دولت قبلی در بدنه دولت جدید باقی مانده باشند هم مگر چقدر اختیارات و توان دارند که دولت جدید نمی‌تواند از پس اقدامات آنها بر بیاید و همچنان مسئولیت را به گردن آنها می‌اندازد؟ کسی که با اصرار و فشار در دولت جدید نماده است، اتفاقاً تغییرنندگان این مدیران، نشانه ضعف دولت رئیسی است که به دلیل کمبود نیرو و مدیران کارآمد و همفکر از نیروهای متخصص دولت قبل استفاده می‌کند. حتی در این صورت هم مگر تعداد این مدیران چقدر است و چقدر اختیارات دارند که آقایان مشکلات را به گردن آنها می‌اندازند؟

این صحبت‌ها فرافکنی اصولگرایان و سر را زیر برف فروکردن و نشندین پیام جامعه است. مشکلات پیش آمده هم ناشی از این است که اصولگرایان نه مطابق با شعارهای انقلاب پیش رفته‌اند، نه منویات قانون اساسی را در نظر گرفته‌اند و نه صدای مردم و مطالباتشان را شنیده‌اند.

یکی دیگر از عمده دلایل عدم تغییر مدیران قبلی در دولت فعلی این است که جنگ قدرت در بین اصولگرایان شکل گرفته است و مثلاً برای یک پست مدیریتی ده‌ها نفر را کاندیدا می‌کنند و چون پیشنهاددهندگان هیچ یک زورشان به دیگری نمی‌رسد، عملاً کاری از پیش نمی‌برند و پست مدیریت به همان شکل قبلی باقی می‌ماند و مدیر قبلی مدت‌زمان بیشتری ادامه کار می‌دهد. همه می‌دانند واقعیت چیز دیگری است. آنها برای پذیرفتن این ضعف و معضل چندگانگی ایجادشده مشکلات را به گردن آنها می‌اندازند. از این رو، اصولگرایان در باتلاقی که خودشان درست کرده‌اند پاشان گیر کرده است و مردم‌سالاری و دموکراسی را تعطیل کرده‌اند. صدای مردم و مطالباتشان را نمی‌شنوند و حرف خودشان را به جای مردم می‌گویند. در صحنه بین‌المللی خودشان را در رودر بایستی با روسیه قرار داده و نمی‌توانند از چرخ‌دنده تعهدات با روسیه خارج شوند و برجام را به سرانجام برسانند. به همین دلیل سعی در فرافکنی و فرار از مسئولیت دارند.

با «شرق» با ابراز نگرانی از استفاده ابزاری از این مسئله برای توجیه اشتباهات گفت: چنین تفکری نباید منجر به تسویه‌حساب سیاسی یا نادیده‌گرفتن مسئولیت‌ها شود.

او توضیح داد: در اینجا دو دیدگاه قابل توجه است، یکی اینکه بگوییم حضور مدیران میانی یا بدنه برآمده از دولت روحانی تأثیری مخرب در روند اداره کشور ندارد که قطعا درست نیست. دولت سیزدهم حداقل با ۷۰ درصد بدنه دولت قبلی دارد کار می‌کند که در هشت سال دولت روحانی شاهد جابه‌جایی‌های گسترده و جایگزینی افراد با معتمدین دولت

روحانی بودیم.

راستی که معتقد است باید برای ترمیم بدنه دولت تمهیداتی اندیشیده شود، در ادامه گفت: دولت سیزدهم در قبال وعده‌هایی که به مردم داده است مسئول بوده و باید موانع

را در مسیر تحقق وعده و قول‌هایی که داده رفع کند.

راستی به دیدگاه دوم در مسئله بدینی به بدنه دولت اشاره کرد و گفت: نباید افراطی به موضوع نگاه کرد. اینکه عده‌ای به دنبال جابه‌جایی همه مدیران میانی و بدنه دولت هستند اشتباه است. همان‌گونه که سردار دل‌ها، شهید سردار سلیمانی

آذربایجان و ترکمنستان مستلزم سیاست‌گذاری دقیق‌تری است. در ماه دسامبر گذشته، سه کشور قراردادی در حوزه انرژی امضا کردند که از طریق خاک ایران، گاز ترکمنستان به جمهوری آذربایجان و از طریق ترکیه به اروپا ارسال شود. مقامات ایران به‌خوبی آگاه هستند که در حال حاضر پاشنه آشیل کشور اقتصاد است. با این حال، محدودکردن روابط به کشورهای آسیایی از جمله دو قدرت بزرگ روسیه و به‌ویژه چین که یک‌سوم تجارت خارجی ایران با آن است و خود را به‌عنوان سرمایه‌گذار اصلی خارجی تحمیل کرده، خطرات خاصی به همراه دارد. درحالی‌که اقتصاد کشور تا بهره‌برداری کامل از پتانسیل خود فاصله زیادی دارد، بازشدن افق غرب به مسئله منافع ملی تبدیل شده است.درحالی‌که شرایط بین‌المللی و نیاز اروپا به بازایی استقلال در حوزه انرژی و امضای قریب‌الوقوع توافق هسته‌ای جدید، امکان شروعی تازه با غرب را ارائه می‌دهد. ایران نمی‌تواند این فرصت مناسب را از دست بدهد و سیاست‌مداران باید به بهترین نحوممکن در راستای منافع ملی از آن استفاده کنند. این امر مستلزم تلاش خاص برای تعامل در برخی مسائل سیاسی و ایدئولوژیک است. با این وجود، ایران به‌خوبی می‌داند که چگونه در موقع لزوم اصول سیاست واقع‌گرایانه را به کار ببرد.

در زمان حیاتشان بارها گفتند همه افراد با اندیشه‌ها، سلایق، گرایش‌های سیاسی و دیدگاه‌های مختلف جزئی از جمهوری اسلامی ایران هستند. باید از خمنتگزاران و افرادی که دغدغه معیشت و اقتصاد کشور را دارند حمایت کرد، نمی‌شود به بهانه خدمت در دولت‌های قبلی آنان را حذف کرد.

راستی تأکید کرد آنچه در عمل دیده می‌شود در نهایت قضاوت خواهد شد. وقتی شاهد رشد افسار‌گسیخته تورم هستیم با نگاهی همه‌جانبه باید مشکلات را بررسی و در نهایت قضاوت کنیم. این نماینده مجلس در ادامه افزود: نباید به دنبال تسویه‌حساب حداکثری مانند آنچه در دولت قبل رخ داده، بود. او در پاسخ به این پرسش‌ش که چه سند و مدرکی دال بر اثبات ادعای خرابکاری بدنه دولت قبل وجود دارد هم گفت: به‌هرحال تحلیل‌هایی از آنچه در میدان می‌بینیم داریم که نشان می‌دهد افرادی که از دولت قبل مانده‌اند در مسیر تخریب دولت سیزدهم قدم برمی‌دارند. منکر نفوذی‌ها و اثرات نامطلوب آنها نیستیم اما نباید مانع خدمت افراد خدوم هم شد. مهم نیست افراد متخصص و باتجربه که دل در گرو خدمت به کشور و مردم دارند دارای چه گرایش سیاسی در حاکمیت هستند. باید فضا برای انجام وظایف و خدمات آنها مهیا باشد و حذف و پاک‌سازی به روش قبلی‌ها درست نیست. این نماینده مجلس در برابر این نقد که «بسیاری معتقدند محکوم‌کردن بدنه دولت به کم‌کاری یا خرابکاری دستاویزی برای توجیه کم‌کاری دولت و بهانه‌ای برای عدم پاسخ‌گویی مسئولان فعلی و حامیان‌شان است» هم گفت: نباید خطاها و مشکلات را به گردن دیگران بیندازیم و به دنبال مقصر بگردیم.

دولت آقای رئیسی به هر حال مسئول شعارها و وعده‌هایی است که داده و باید پاسخ‌گوی مردم باشد. اینکه رسم شده مشکلات را به گردن دولت‌های قبل می‌اندازند اشتباه است و هر دولتی مسئول اقدامات و تصمیم‌های خود است. او افزود:

آقای رئیسی اگر با چنین مشکلاتی مواجه هستند با مردم به وضوح صحبت کنند.

راستی به یکدست‌شدن قدرت در کشور به‌عنوان عاملی برای رفع هر نوع بهانه برای کم‌کاری اشاره کرد و گفت: اکنون که دولت انقلابی روی کار آمده و مجلس و قوه قضائیه انقلابی هستند بهانه‌زایی متغالی ندارد.

اکنون همه نهادهای اجرائی و نظارتی دست انقلابیون است و اگر سنگ‌اندازی رخ داده دستگاه‌های نظارتی ورود کنند. با این همه تشکیلات نظارتی که وجود دارند مشکلی برای کنترل اوضاع نباید باشد و دولت رئیسی نمی‌تواند گلابه کند آدم‌های دولت قبلی مشکل ایجاد می‌کنند. سازوکار نظارت و برخورد برای اصلاح امور در دست دولت است و هرجا ناکارآمدی است می‌تواند اصلاحات انجام دهد سایر قوا هم که کنار او هستند و از تصمیمات‌ش حمایت می‌کنند بنابراین عدم نظارت و عدم برخورد با خاطبان توجیهی ندارد.

او در پایان گفت: در دولت انقلابی هیچ بهانه‌ای برای کم‌کاری و خطا پذیرفتی نیست زیرا همه نهادهای قدرت در کنار دولت و همسوا با او هستند و این یکدست‌شدن باید در مسیر رفع مشکلات مردم قرار گیرد تا مردم ولایی و فرهیخته ایران از خدمات درخور و مناسب بهره‌مند شوند.

تندروهای داخلی با بازیگران خارجی همراه می‌شوند

و قومیتی شکل گرفت، مکانیسمی برای حل این مشکل وجود داشته باشد که به‌راحتی این اختلافات را به همکاری و صلح تبدیل کند.

این نماینده ادوار مجلس ادامه داد: اگر این دو عامل شکل بگیرد، دیگر صحبت از چالش‌های هویتی و قومیتی معنا ندارد و بازیگران و کشورهای دیگر هم نمی‌توانند روی چالش‌های هویتی و قومیتی سرمایه‌گذاری کنند؛ اما واقعیت این است که اگر ضعفی در این موارد باشد، عوامل بیرونی و خارجی هم بی‌کار نمی‌نشینند و روی این دو عامل متمرکز می‌شوند. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم، از آلمان به‌عنوان کشوری که روی گسل جمعیتی وجود دارد؛ اما توانسته از این ضعف به‌عنوان قوت خود بهره ببرد، نام برد.

او توضیح داد: آلمان روی ۵۰۰ خط گسل جمعیتی و قومیتی و هویتی شکل گرفته است؛ اما به کشوری تبدیل شده است که با وجود اینکه بزرگ‌ترین شکست‌خورده دو جنگ جهانی است، باز به‌عنوان یک قدرت سر بلند کرده و قدرت اول اروپا به حساب می‌آید.

او در ادامه گفت: حتی دیوار برلین هم نتوانست به خط گسل و ضعف آلمان تبدیل شود؛ اما در ایران متأسفانه بخشی از چالش‌ها و رخنه‌هایی که از خارج شکل می‌گیرد، ناشی از ضعف‌هایی است که در کشور به چشم می‌خورند.

نماینده مردم اسلام‌آباد غرب در مجلس هفتم، هشتم و دهم اضافه کرد: در کشور ما متأسفانه برخی در ایجاد گسل و رخنه‌ها نقش دارند. به‌عنوان مثال

معصومه معظمی: رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم به تشریح عوامل شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری خطوط گسل یا اختلافات قومیتی- هویتی در داخل کشور پرداخت و علاوه‌برآن به نقش برخی مداحان در بروز مشکلات قومیتی و مذهبی اشاره کرد.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به هشدار وزیر اطلاعات مبنی بر اقدامات جدید اسرائیل در منطقه و «ایجاد تنش میان شیعه و سنی» که از آن به‌عنوان «فتنه جدید» اسرائیل نام برد، گفت: به طور مشخص نوع شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری خطوط گسل یا اختلافات قومیتی- هویتی در داخل کشورها بستگی به دو عامل دارد.

او اولین عامل را «نوع تعریف هویتی دانست که در داخل جامعه شکل می‌گیرد.

به گفته فلاحت‌پیشه، اگر این تعریف هویتی تعریف فراگیری باشد که هویت‌ها و قومیت‌های مختلف در آن احساس کنند آزادی و برابری لازم را دارند و در عمل هم آن را ببینند، بنیاد اساسی دراین‌باره شکل می‌گیرد که هیچ عامل خارجی هم نمی‌تواند آن بنیاد متحد را بر هم بزند.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم در تعریف دومین عامل بیان کرد: عامل دوم این است که جوامع و دولت‌ها باید مکانیسم داخلی حل اختلاف را داشته باشند. به عبارتی یک مکانیسم مؤثر برای حل اختلافات داخلی را داشته باشند تا اگر اختلافات درون‌بنیاد یا برون‌بنیاد هویتی

کشور داشته باشیم، خواهیم دید که بیش از چهارپنجم مرزهای ایران مرزهایی است که در آن تنوع قومیتی و مذهبی وجود دارد. در این مناطق هم متأسفانه ضعف برخورداری مشهود است؛ به نحوی که سطح برخورداری آنها نسبت به سطح برخورداری مرکز کمتر است.

فلاحت‌پیشه تصریح کرد: برخلاف سایر کشورها که مرزها توسعه‌یافته‌تر از مراکز هستند، در ایران هرچه از مرکز دورتر می‌شویم محرومیت خودش را بیشتر نشان می‌دهد. نکته مهم اینجا است که به اسم تهدیدهای امنیتی، به جای توسعه، امنیت بر مرزها حاکم شده است و به جای معابر مرزی، سیم‌های خاردار در مرز مانع از خودتکایی مردم این مناطق شده است. این یکی از عمده مواردی است که در مرزها به آن توجه نمی‌شود.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم اظهار کرد: بنابراین برای جلوگیری از هرگونه رخنه و فتنه بیرونی در کشور باید سازوکاری شکل بگیرد که براساس ابراینات و اسلامیت چالش‌های فرقه‌ای کنار برود.

او افزود: باید به نحوی عمل شود که حتی در مواقعی که بحث اسلام مطرح می‌شود، دیگر ایرانی‌هایی که دارای دین دیگری هستد، به‌عنوان ایرانی محترم شمرده شوند و از همه آزادی‌ها، برابری و حقوق شهروندی قانون اساسی برخوردار شوند.

فلاحت‌پیشه ادامه داد: همچنین در حوزه برخورداری عمرانی هم اگر کمبودهایی هست، باید برطرف شوند و اگر اختلافاتی هم وجود دارد، مکانیسم‌ها و سازوکارهای حل اختلافی آن ایجاد شود.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم در پایان افزود: برای جلوگیری از اختلافات و رفع هرگونه تهدید خارجی، باید تریبون عواملی که به این اختلافات دامن می‌زنند، محدودتر شود. کسانی که برای پیشبرد مناسل خودشان حاضرند بسیاری از چالش‌های قومیتی، هویتی و مذهبی را فعال کنند، بزرگ‌ترین آسیب‌زننده به وحدت ملی کشورند و باید جلوی این اقدامات‌شان گرفته شود.